

# آیا با کودک پیش دبستانی است؟ چگونه

آگاه شده، بر استقلال عملی و دستکاری محیط مسلط تر می شوند و این تغییرات به والدین پیام می دهد که از تلاش های کودک خود حمایت کنند و به آن ارج بگذارند. ولی والدین به دلیل روش های تربیتی متفاوتی که اعمال می کنند و نیز به دلیل نیاز به حمایت کودک در مقابل خطرهای بیرونی ممکن است در مقابل فرزندشان محدودیت هایی ایجاد کنند. این مسئله، به ویژه زمانی تشدید می شود که کودکان با استفاده از تمایلات کنترل محیط از انجام بعضی از رفتارها امتناع می کنند، مثل: امتناع از خوردن غذا، پوشیدن لباس خاص، تأکید بر بازی، اصرار به والدین برای تکرار داستان خاص و... بنابراین والدین تحت تأثیر معیارهای خاصی که برای تربیت فرزندشان در نظر گرفته اند ممکن است با فرزند خود درگیر شوند. برای مثال، تا چه اندازه اجازه دهند فرزندشان در بیرون بازی کند، کودکشان چقدر آب نبات بخورد، در میهمانی چه رفتاری از خود نشان دهد، خشمش را چگونه ابراز دارد و...؟

هر چند که سبک های رفتاری و پرورشی والدین ممکن است به مرور زمان تغییر کند، به هر حال والدین به دلیل داشتن قدرت اجرایی و استقلال عمل، در تصمیم گیری های مربوط به کودک دخالت خواهند کرد.

تحقیقات زیادی که در خصوص نحوه ارتباط والدین با کودکان پیش دبستانی انجام گرفته است نشان می دهد که شکل گیری اولیه ی شخصیت کودک در خانواده صورت می گیرد و والدین نقش اساسی در آن دارند. در این نوشتار به تأثیر سبک پرورشی والدین در رفتار و شخصیت کودکان اشاره می شود.



ترجمه و تلخیص: اصغر اعظمی

کارشناس ارشد روان شناسی و مدرس آموزش خانواده  
آذربایجان شرقی - مراغه

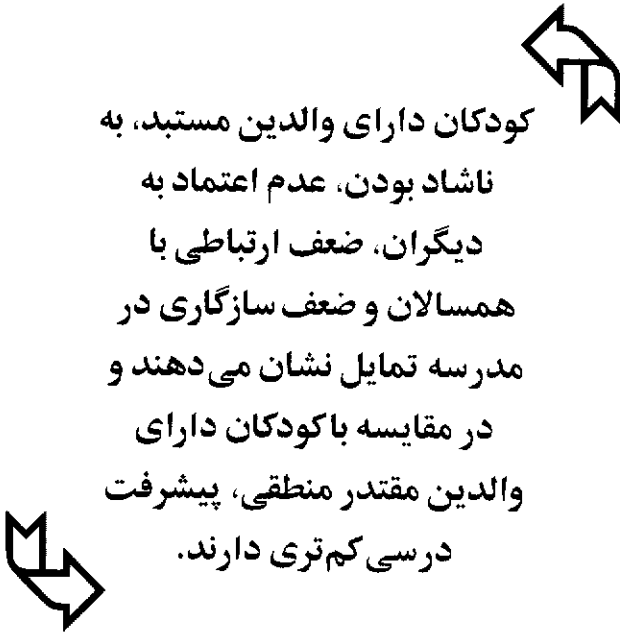
## مقدمه:

در طول سال های طفولیت، دلبستگی (ATTACHMENT) بین کودکان و والدینشان و نیز سایر مراقبین نقش محوری در رشد اجتماعی و هیجانی کودک دارد. روش و نوع برخورد والدین در تأمین دلبستگی، بر ارضای نیازهای روانی، اجتماعی و هیجانی کودک تأثیر بسزایی دارد و مراحل رشد بعدی کودک را تحت تأثیر قرار می دهد.

کودکان پیش دبستانی به تدریج بر توانایی های بدنی، حرکتی، کلامی و تصورات برون ریزی توان و قدرت خودشان

## سبک‌های تربیتی والدین

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ارتباطی کودک و والدین، روش اعمال قدرت والدین در برخورد با کودکان است. در پی تحقیقات مختلفی که توسط روان‌شناسانی چون: بامرنید، ۱۹۷۱، ۱۹۷۳؛ دارلینگ، استین برگ، ۱۹۹۳؛ مکوی و مارتین، ۱۹۸۳ در مورد خانواده‌های کودکان پیش دبستانی انجام گرفته، سبک‌های فرزندپروری والدین در چهار گروه طبقه‌بندی شده‌اند: سبک استبدادی، سبک اقتدار منطقی، سبک سهل‌گیر باگذشت و سبک سهل‌گیر بی‌تفاوت. البته سبک‌های تربیتی خانواده‌ها در یک خانواده به صورت کامل مشاهده نمی‌شود. هم چنین این سبک‌های تربیتی ممکن است در طول رشد کودکان تغییر پیدا کند. در جدول زیر سبک‌های تربیتی خانواده‌ها به صورت خلاصه آمده است:



کودکان دارای والدین مستبد، به  
ناشاد بودن، عدم اعتماد به  
دیگران، ضعف ارتباطی با  
همسالان و ضعف سازگاری در  
مدرسه تمایل نشان می‌دهند و  
در مقایسه با کودکان دارای  
والدین مقتدر منطقی، پیشرفت  
درسی کم‌تری دارند.

الگو	کنترل	واضح بودن ارتباط	توجه به ضرورت‌های رشدی	اثر تربیتی
اقتدار منطقی	بالا	زیاد	زیاد	زیاد
استبدادی	خیلی زیاد	ضعیف	زیاد	ضعیف
سهل‌گیر باگذشت	کم و ضعیف	مرکب	کم و ضعیف	زیاد
سهل‌گیر بی‌تفاوت	کم	کم	کم	کم

آن دسته از کودکان پیش دبستانی که والدین مقتدر منطقی دارند، به خودکنترلی و اتکای به خود تمایل نشان می‌دهند و از توانایی همراهی با بزرگ‌ترها و همسالان برخوردارند. این قبیل والدین وقتی که از فرزند خود رفتار زشتی مشاهده می‌کنند، سعی می‌کنند چرایی و علت رفتار را بپرسند و در ضمن دلایل تنبیه و محدودسازی را نیز توضیح می‌دهند (سی، هارت و دیگران، ۱۹۹۲؛ کوسین اسکی و کوچان اسکا، ۱۹۹۵؛ پتیت و دیگران، ۱۹۸۸).

لئون کوسینسکی و گرازنیا و کوچانیکا (۱۹۹۵)، در تحقیقات خود دریافته‌اند کودکانی که والدین مقتدر منطقی داشتند، افرادی پاسخگو به راهنمایی‌های والدین، و دارای کم‌ترین مشکل در سنین حدود ۵ سالگی بودند. مادران دارای سبک تربیتی اقتدار منطقی بر شایستگی‌ها و رفتارهای اجتماعی و عملکردهای مثبت تأکید داشتند، مثل: از دیگران

### ● سبک تربیتی اقتدار منطقی

والدین دارای این سبک تربیتی، کنترل زیادی بر کودکان خود اعمال می‌کنند و خواست‌های زیادی نیز از کودکان خود دارند. اما این والدین افرادی پاسخگو، حساس و کودک‌مدارند، اندیشه‌ها و احساسات کودکان را محترم می‌شمارند و در تصمیم‌گیری‌های کودکان شرکت می‌کنند. به عنوان مثال اگرچه درخواست کودک از والدین برای کمک به پوشیدن لباس یا ساختن یک برج چیز ساده‌ای به نظر می‌رسد، ولی والدین دارای روش اقتدار منطقی فقط تا آن حد به کودک خود کمک می‌کنند که کودک تکلیف را خود به انجام برساند. چنین والدینی در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخ‌گویی به کودکان به صورت دموکراتیک (آزادمنشانه) و منطقی و توأم با هم‌حسی و صمیمیت عمل می‌کنند.

کمک بخواه، شیر را با دقت بریز یا اسباب بازی هایت را کنار بگذار، و از رفتارهای محدود کننده مثل: نزن، شیر را به زمین نریز یا کثیف نکن استفاده نمی کردند. هم چنین سبک تربیتی اقتدار منطقی با عزت نفس بالا، درونی شدن هنجارهای اخلاقی، بالندگی روانی - اجتماعی، استقلال و موفقیت فرزندان ارتباط داشت. فرزندان والدین مقتدر منطقی، با همسالان خود ارتباط دارند و به دنبال آن در مراحل مختلف زندگی رفتاری صمیمی و احترام آمیز نسبت به دیگران نشان می دهند. (فرانز و دیگران، ۱۹۹۱؛ دارلینگ و استین برگ، ۱۹۹۳، بامرنید، ۱۹۹۱)

### ● سبک تربیتی استبدادی

والدین مستبد خواست های زیادی از کودکان خود دارند و بر آن ها کنترل شدیدی اعمال می کنند. آنان در مقایسه با والدین مقتدر منطقی، صمیمیت و گرمی کم تری از خود نشان می دهند، کم تر پاسخگو هستند و معمولاً در تصمیم گیری ها تمایل به اقتدار مطلق و غیر آزادمنشانه دارند. این قبیل والدین، دیدگاه ها و قواعد خود را بر کودکانشان تحمیل می کنند و نسبت به احساسات و افکار آن ها حساسیت کم تری نشان می دهند. روابط بین والدین و فرزندان، اگر براساس قدرت مطلق باشد، احساسات و نیاز به استقلال طلبی کودک را در کنترل خود خواهد گرفت و در نتیجه تأثیرات بسیار سوء بر کودکان خواهد گذاشت.

کودکان دارای والدین مستبد، به ناشاد بودن، عدم اعتماد به دیگران، ضعف ارتباطی با همسالان و ضعف سازگاری در مدرسه تمایل نشان می دهند و در مقایسه با کودکان دارای والدین مقتدر منطقی، پیشرفت درسی کم تری دارند. (سی، هارت و دیگران، ۱۹۹۰ و پوتالاز، ۱۹۸۷)

در نهایت، ترکیبی از سخت گیری و اقتدار مطلق و عدم حساسیت به افکار و احساسات کودکان، احتمال بد رفتاری والدین با کودکان را افزایش می دهد. والدین دارای شیوهی تربیتی اقتدار مطلق، رفتارهای مشابه را در فرزندانشان تقویت و تحریک می کنند و این موضوع خود منجر به افزایش چرخه ی تقویت منفی و قهر آمیز می شود. (پاترسون، ۱۹۸۲)

والدین دارای سبک تربیتی استبدادی در خانواده های پر جمعیت به فراوانی دیده می شوند (گرین برگر و دیگران، ۱۹۹۴) و به احتمال زیاد، پدران در این خانواده ها مستبد تر از

مادران اند. والدین مستبد معمولاً در خانواده ها و فرهنگ هایی دیده می شوند که روابط خانوادگی آن ها بر اساس سن، نقش در خانواده و جنسیت، ساختار سلسله مراتبی دارد.

البته اعتبار مفاهیم اقتدار طلبی منطقی و استبدادی که در جوامع اروپای غربی و آمریکا صدق می کند، در خانواده های چینی قابل بحث است. (راس چاوو، ۱۹۹۴) زیرا فرزند پروری چینی ها بر اساس اصول آیین کنفوسیوس استوار است، به طوری که از کودکان می خواهند احترام و محبت به بزرگ ترها را از خود نشان دهند و بزرگ ترها نیز مسئول تربیت، انضباط و راهنمایی کودکان اند. در تربیت چینی، درجه ی بالای اقتدار و کنترل والدین به عنوان جنبه ی اساسی و مثبت در تربیت می باشد که برای سازگاری روابط اجتماعی و خانوادگی ضروری شمرده می شود. سؤال چاوو و این است که چرا سبک تربیتی والدین مستبد در اروپای غربی و آمریکا با ضعف پیشرفت درسی کودکان مرتبط است، در حالی که در کودکان چینی با سطوح بالای پیشرفت درسی همراه است؟

### ● سبک تربیتی سهل گیر

به نظر می رسد که والدین دارای سبک تربیتی سهل گیر دو الگو دارند: والدین سهل گیر با گذشت و والدین سهل گیر بی



تفاوت.

والدین سهل گیر و با گذشت، صمیمی و حمایت کننده‌اند و معمولاً نسبت به افکار و احساسات کودکانشان حساس‌اند. با این حال سطح پایینی از کنترل را اعمال می‌کنند و خواست‌های نسبتاً کم‌تری از کودکان دارند. این قبیل والدین به کودکان اجازه می‌دهند در تصمیمات خودشان مختار باشند، روابط کلامی و غیرکلامی گرم و توأم با محبت دارند، مراقب کودکان می‌باشند و در موقعیت‌هایی که فرزند باید محدود باشد، کم‌تر به روشنی اظهار نظر می‌کنند.

دومین الگوی سبک تربیتی سهل گیر، والدین سهل گیر بی تفاوت است. در این الگوی تربیتی، والدین درگیری عاطفی با کودکان ندارند و دچار نوعی گسست عاطفی در

ارتباط با فرزندانشان هستند. آن‌ها در ایجاد و حفظ معیارها، استانداردها، انتظارات و مسئولیت‌های والدینی ناهمسان‌اند. (مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳)

والدین دارای الگوی تربیتی سهل گیر و بی تفاوت، عدم اعتماد به نفس، پایین بودن عزت نفس و کمی خودکنترلی را در کودکان خود دامن می‌زنند و کودکان آن‌ها ممکن است این ویژگی‌ها را تا دوره‌ی نوجوانی حفظ نمایند. این گونه والدین در ارتباط با کودکانشان از نظر عاطفی جدا بوده، در مقابل کارهایی که کودکان انجام می‌دهند، واکنشی نشان نمی‌دهند. (لوب و دیگران، ۱۹۸۰)

کودکان این والدین در یادگیری مسائل اخلاقی و محدودیت‌های اجتماعی و اخلاقی به همسالان و دیگران

## والدین سهل گیر و با گذشت، صمیمی و حمایت کننده‌اند و معمولاً نسبت به افکار و احساسات کودکانشان حساس‌اند. با این حال سطح پایینی از کنترل را اعمال می‌کنند و خواست‌های نسبتاً کم‌تری از کودکان دارند.



روی می‌آورند. این کودکان مشکلات رشدی گوناگون دارند، مثل: ناتوانی در تحمل ناکامی‌ها و کنترل تکانه‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه. در ضمن آن‌ها در انتخاب اهداف طولانی مدت و دیگر انتخاب‌های زندگی با مشکل مواجه می‌شوند.

در نهایت، والدین سهل گیر بی تفاوت به نیازهای جسمی و روانی کودکان خود در مراحل حساس و خطرآفرین برای رشد هیجانی و جسمی توجهی نمی‌کنند.

در حالی که اغلب والدین در سبک‌های تربیتی، همسانی نشان می‌دهند، ممکن است در شرایط خاصی از سبک‌های تربیتی دیگر استفاده کنند. برای مثال، والدین دارای سبک اقتدارطلبی منطقی، گاهی ممکن است در مورد کودک خسته‌ی خود که زود به رختخواب نمی‌رود و به حرف آن‌ها گوش نمی‌دهد، از روش استبدادی استفاده کنند.

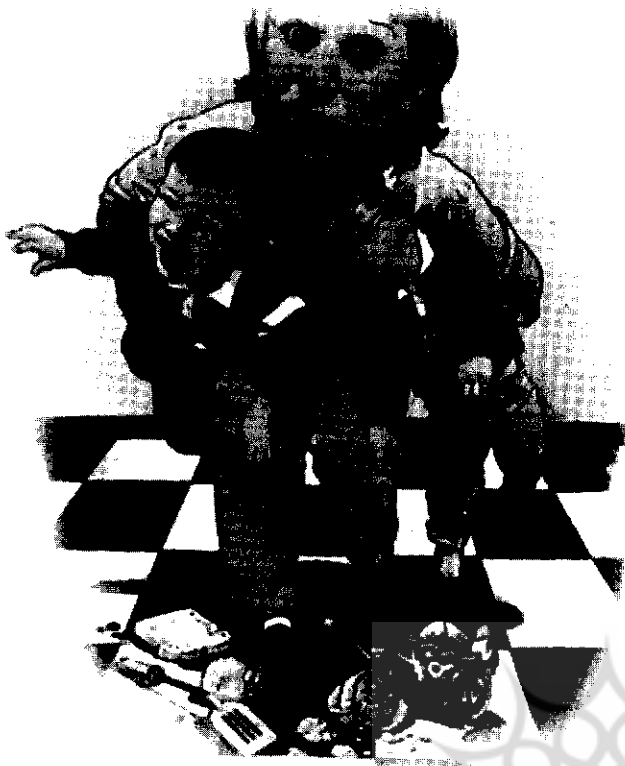
سبک فرزندپروری و به طور کلی کیفیت ارتباط فرزند - والدینی، در رفتار پرخاشگرانه‌ی کودکان و در سازش با خشم بین فردی تأثیر قابل توجهی دارد. شواهد چندی وجود دارد



که نشان می‌دهد سبک تربیتی سهل‌گیر و بی‌تفاوت در سطح گسترده، و سبک تربیتی استبدادی در مقیاس خیلی زیاد با رفتارهای پرخاشگرانه و ضعف رفتارهای اجتماعی ارتباط دارد.

یکی از مطالعاتی که توسط گرازنیا و کوچانیکا (۱۹۹۲) صورت گرفته، نشان می‌دهد کودکانی که در ارتباط متقابل با مادرشان از تاکتیک‌های منفی و غیرواضح استفاده می‌شد، بسیار پرخاشگر بودند، رفتارهای اجتماعی سطح پایین نشان می‌دادند و با همسالان روابط ناموفقی داشتند. کودکانی که والدینشان از روش استبداد مطلق و کنترل و بی‌توجهی به افکار و احساسات استفاده می‌کردند، نسبت به دیگران بی‌اعتماد بودند، روابطشان با همسالان ضعیف بود و پیشرفت درسی و سازگاری مدرسه‌ای کم‌تری در مقایسه با دیگر کودکان نشان دادند. (هارت و دیگران، ۱۹۹۰؛ پوتالاز، ۱۹۹۷).

بامریند، (۱۹۷۱)؛ هارت و دیگران (۱۹۹۰)؛ بی‌مارتین (۱۹۷۵) و پوتالاز (۱۹۸۷) در تحقیقات خود دریافته‌اند که ویژگی‌های فرزندپروری ذکر شده در زیر در پرخاشگری



کودکان پیش دبستانی سهم زیادی دارند. اگر چه این شیوه‌های تربیتی ممکن است مشکلات تربیتی و رفتاری دیگری نیز به دنبال داشته باشند.

- ۱- عدم پذیرش و دوست نداشتن کودک، انتقاد از کودک.
- ۲- سهل‌گیری بیش از حد، به ویژه وقتی که توأم با بی‌تفاوتی نسبت به نیازهای واقعی کودک باشد.
- ۳- انضباطی که به توانایی‌های کودک توجه نداشته باشد.
- ۴- انضباط ناهمسان.
- ۵- مقررات و قواعد و انتظارات غیرواضح.
- ۶- کنترل افراطی.
- ۷- مقایسه کردن با دیگران.
- ۸- تنبیه بدنی.

منابع:

- ADAMS, G.R. GULLOTA, T.P. AND MARKSTROM - ADAMS, C. (1994). ADOLESCENT LIFE EXPERIENCE: CALIF: BROOKS/COLE PUBLISHING COMPANY.
- HOFFNUNG, R; SEIFORT, K.L. AND HOFFNUNG, M.H. (1991). LIFE - SPAN DEVELOPMENT, BOSTON: HAUGHTON MIFFLIN COMPANY.

## والدین دارای الگوی تربیتی

سهل‌گیر و بی‌تفاوت، عدم اعتماد

به نفس، پایین بودن عزت نفس و

کمی خودکنترلی را در کودکان

خود دامن می‌زنند و کودکان

آن‌ها ممکن است این ویژگی‌ها

را تا دوره‌ی نوجوانی حفظ

نمایند. این گونه والدین در

ارتباط با کودکانشان از نظر

عاطفی جدا بوده، در مقابل

کارهایی که کودکان انجام

می‌دهند، واکنشی نشان

نمی‌دهند.

